فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی۳، زمستان ۹۲، صفحات ۷۹-۹۹

ساختار و کارکرد در معماری آیینی مازندران؛ مطالعه‌ی موردی سقانفارهای فریدونکنار[۱]

محمد حسن زال[۲]، میثم فلاح[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر که داده‌های آن بر اساس مطالعات اسنادی، بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی و مصاحبه گردآوری شده، بررسی ساختار و کارکرد سقانفارها در مازندران است. سقانِفار بنایی است چوبی و دوطبقه که بیش‌تر در بخش مرکزی مازندران و به نام حضرت ابوالفضل(ع) بنا شده است. در این پژوهش، ٦ نمونه سقانفار موجود در فریدونکنار بررسی شده‌است که تمامی آن‌ها به دوران قاجار و بازه‌ی زمانی ۱۳۱۱ تا ۱۳۲٦ ه.ق. تعلق دارد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی است. نگارندگان پس از معرفی داده‌ها، با روش تحلیل نظری و کمّی به تفسیر داده‌ها پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از وجود بیانی نمادین در ساختار و تزیین سقانفارهاست. از منظر اجتماعی، کاربران بنا جوانان هستند. برافراشتگی بنا دارای نسبتی نمادین با سن کاربران و صاحب واقعی بنا یعنی حضرت ابوالفضل(ع) است. نقوش مذهبی و ملی نشانه‌ی تأثیر انگیزه‌های شیعی و جنبه‌های پهلوانی و اسطوره‌ای ایرانی در ساخت سقانفار است. نقش‌مایه‌های بنا، نمادهایی از زندگی اجتماعی، اقتصاد معیشتی، نگرش‌های آیینی و هویت ملی مردمان منطقه ست. هنرمند با کنار هم قرار دادن ماهرانه‌ی این نقوش، قصد انتقال نمادین پیام‌های ملی و مذهبی به مخاطبان عام را داشته و این چیدمان، تنیدگی فرهنگ ملی و نگرش‌های مذهبی مردمان منطقه را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سقانفارهای فریدونکنار، دوره‌ی قاجار، کارکردهای اجتماعی و آیینی، بررسی های باستانشناختی.

---

[۱] – پژوهش حاضر، حاصل بررسی باستانشناختی به‌منظور تکمیل آثار ثبتی شهرستان فریدونکنار به تاریخ ۸۸/۵/٦ – به شماره مجوز ۱۷۰۱٦-۱٤۳ ز سازمان میراث فرهنگی،گردشگری و صنایع دستی استان مازندران و به سرپرستی میثم فلاح است.

[۲] – استادیار گروه مدیریت جهانگردی دانشگاه مازندران m.zaal@umz.ac.ir

[۳] – کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران و مدرس مؤسسه‌ی آموزش عالی سبز meisam.fallah@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱- مقدمه

معماری به عنوان یکی از هنرهای مؤثر در امر احراز، تثبیت و تداوم هویت فرهنگی، دینی و ملی هر سرزمین نقش رزنده‌ای دارد و می‌توان گفت در بسیاری موارد شاخص‌ترین عنصر حفظ هویت مردم هر سرزمین است (محمودی، ۱۳۸۸: ۹٤). بنای سقانفار در مازندران نیز از این قاعده مستثنی نیست. ساخت پرتعداد این گونه از معماری بومی، با سلسله‌ای از اتفاقات تاریخی صدر اسلام و نیز تحولات سیاسی و دینی ایران و منطقه‌ی مازندران پیوند خورده است. سپر طبیعی البرز، مانع از فتح زودهنگام تبرستان، از سوی اعراب شد و اسلام نتوانست تا اوایل قرن دوّم هجری وارد مازندران شود (مرعشی، ۱۳٤۵ :۲۰). پس از ورود اسلام به مازندران، سیر تحولات سیاسی و مذهبی منطقه، نسبت به سایر مناطق ایران اندکی متفاوت است. سه واقعه‌ی تاریخی سبب شد، تا مذهب شیعه در منطقه‌ی مازندران زودتر از سایر نقاط ایران ظهور کند و بیش‌تر از سایر نقاط ایران قوام یابد. نخست، بعد از ورود اسلام به مازندران، این سرزمین به پناهگاهی برای بازماندگان خاندان پیامبر(ص) در مقابل دشمنی خلفای بغداد بدل شد. با حضور این خاندان، مذهب شیعه در قرون ابتدایی اسلام در مازندران پایه‌ریزی شد (رحیم‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۷). سپس، سلسله‌ای از سادات مرعشی حسینی که شیعه مذهب بودند از ۷٦۰ تا ۸۸۰ هجری در مازندران حاکم شدند (نفیسی، ج۱، ۱۳٦٤ :۱۰) و تبلیغ آیین اسلام و شیعی پرداختند (حجازی کناری، ۱۳۷۲ :۲۸). این تفاق تاریخی، پایه‌ی مذهب شیعه را در مازندران مستحکم‌تر کرد. در نهایت، با رسمی شدن مذهب شیعه در دوران صفوی، فضای سیاسی و مذهبی برای فعالیت‌های آیینی شیعیان در ایران مساعدتر شد. پرداختن به عزاداری‌های مرتبط با واقعه‌ی تاریخی عاشورا – مهم‌ترین مراسم مذهبی در باروهای شیعی- انجام نمایش آیینی تعزیه و ساخت بناهای مذهبی چون تکیه، نمونه‌های از آزادی فضای سیاسی در دوران صفوی و تأثیر آن بر رشد گرایش‌های شیعی در ایران است.

اما، برآیند رسمی شدن مذهب شیعه در ایران و ریشه‌دار بودن این مذهب در مازندران، موجب شد فعالیت‌های سیاسی و مذهبی شیعی در این خطّه پررنگ‌تر از سایر نقاط ایران جلوه‌گر شود. بنابراین، انجام عزاداری‌های مذهبی، اجرای نمایش‌های آیینی، ساخت بناهای مذهبی چون تکیه و نوعی دیگر از بناهای مذهبی شیعی با نام سقانفار که خاص مناطق شمالی ایران است، در این قلمرو توسعه‌ی فراوانی یافت.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۲- جغرافیا و پیشینه‌ی تاریخی منطقه‌ی پژوهش

شهرستان فریدونکنار در مرکز استان مازندران قرار دارد (نقشه‌ی شماره‌ی ۱). این شهر از شمال به دریای مازندران، از شرق به بابلسر، از غرب به محمودآباد و از جنوب به آمل و بابل منتهی می‌شود. ارتفاع متوسط این شهر جلگه‌ی از سطح آب‌های آزاد حدود ۲۰متر است و در طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۳۰ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳٦ درجه و ٤۲ دقیقه شمالی واقع شده است. فریدونکنار با داشتن ۱۲ کیلومتر خط ساحلی، وسعتی در حدود ۹۸/۱۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد (تصویر ۱) که از نظر زمین‌شناسی، جلگه‌ای و بدون هرگونه ناهمواری است (تصویر ۲). مهم‌ترین پوشش گیاهی در این ناحیه زمین‌های کشاورزی و شالیزارهای برنج است و شرایط اقلیمی نیز تابع شرایط جوّی حاکم بر منطقه، دارای آب و هوای معتدل و مرطوب خزری است (بازنگری طرح هادی روستای کاردگرمحله، ۱۳۸٤: ٤ ؛ طرح هادی روستای اِزباران شهرستان بابلسر،۱۳۸۲: ٦). درباره‌ی پیدایش این شهر در کتاب «وجه تسمیه شهرهای ایران» این‌چنین آمده است که گفته می‌شود، فریدونکنار را «فریدون» بنا نهاده است. مقصود از فریدون، یا حاکمی به این نام است که در این منطقه فرمانروایی داشته و یا فریدون، همان پادشاه باستانی ایران که ضحاک را در بند کرده است. نام قدیمی این شهر "فِری‌کنار" (فِری به معنای فرهمند و ارجمند) بوده و هم‌چنین در «روضّه الصفا» به تأسیس دستگاه کشتی‌سازی توسط نادرشاه در این منطقه اشاره شده ست (رحیمی، ۱۳۸۷: ۵-۱؛ فاطمی، ۱۳۸٦: ۷). این منطقه به دلیل وجود بنادر متعدد، همیشه در طول تاریخ مورد توجه بوده است. بندر تاریخی «دریابار» از جمله بنادری است که در حد فاصل فریدونکنار و محمودآباد امروزی قرار داشت و در دوره‌ی سامانیان به دست رومیان سوزانده شده است (مرعشی،۱۳٦۱: ۲۹۸).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]





نقشه‌ی شماره‌ی یک- موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد بحث (سالنامه‌ی مازندران، ۱۳۸۷)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



تصویر شماره‌ی یک- موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد پژوهش (Google Earth)

۳- ساختارشناسی سقانفار

سقانفار سازه‌ای است چوبی، دو طبقه که معمولاً در مجموعه‌های مذهبی مازندران در کنار «تکایا» ساخته می‌شد (یوسف‌نیا پاشا، ۱۳۸٤: ۱۳٤). سقانفارها در زمره‌ی معماری آیینی و قدسی منطقه‌ی مازندران قرار می‌گیرند و این سازه‌های قدسی، بنا بر گفته سید حسن نصر، سرپناهی برای ایجاد آرامش و فضایی برای تجلی بهشت آسمانی است (نصر، ۱۳۷۵: ٦). با توجه به رجعت سوگواران به این بناها در ماه‌های حرام و بهره‌گیری از آن‌ها برای گذراندن ایام اعتکاف، سقف و ستون‌های این بناها محل مناسبی برای نمایش اعتقادات، باورها و روایات مذهبی ساکنان محسوب می‌شده که در سه قالب «اسطوره، مذهب و زندگی روزمره» بر مهمانان خود تأثیر می‌گذاشته است. چوب ساختار اصلی بناست و عناصر اصلی چوبی در این سازه عبارتند از:

- **شیرسَر:** قطعاتی چوبی از جنس درخت آزاد که در انتقال بار سقف به سرستون‌ها به‌صورت پلکانی ایفای نقش می‌کردند.
- **دهان اژدری:** سرستون‌های چوبی به فرم دهان اژدها که ارتباط میان تیرهای افقی و عمودی بنا را میسر می‌ساختند.
- **هَلا:** بالاترین تیر چوبی که به‌صورت اریب، شیب اصلی بام را می‌سازد و تخته کوبی نهایی به روی آن صورت می‌گیرد.
- **پَلْوَر:** تیرهای پوشاننده بام در طبقات اول و دوم.
- **تخته:** ضمن پوشاندن فضای خالی میان پَلوَرها، کف اصلی طبقه‌ی بالا را می‌سازد.
- **پتک یا درز پوش:** برای پوشاندن درز میان دو تخته از قسمت پایین به‌کار می‌رود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

از موارد یاد شده، عناصری همچون شیرسَر، دهان اژدری، پَلوَر، تخته و بعضاً قسمت انتهای هلا، معمولاً در «نِفارها» مورد تزیین قرار می‌گیرد. برخی از این اجزا و عناصر را معماران بومی چنین می‌نامند: نال یا واشان، کُماچه (سرستون)، شُوله وَر، پَلوَر، گِردِ رِفاق (رَواق) و... (رحیم‌زاده، ۱۳۸۲: ۷).

با توجه به این‌که قدیمی‌ترین نمونه‌های سقانفار موجود در مازندران متعلق به دوران صفوی است[۱]، یادآوری این نکته در درک چگونگی پیدایش این عناصر مذهبی سودمند خواهد بود که در اکثر روستاهای مازندران به لحاظ کمبود خاک رس مناسب، آجر کالایی نایاب بوده؛ از این رو، در بسیاری از این نمونه‌ها تنها ساخت سکوی پایینی با مصالح آجری صورت گرفته است. در نمونه‌ی صفوی، ابعاد آجرهای به‌کار رفته در زیر سازی سکو ۵×۲۷×۲۷ سانتی‌متر است که اندازه‌ی رایج در ابنیه‌ی حکومتی و رسمی کشور بوده است. با توجه به صعب‌العبور بودن بسیاری از روستاهای دارای «نِفار»، علت توجه خاندان صفویه به ساخت نِفارهایی با مصالح رسمی در مناطقی این‌چنین صعب‌العبور جای بحث دارد. با استناد بر گفته‌ی گیدئین که ذات یک عصر، خود را در معماری آن عصر نشان می‌دهد (گیدئین، ۱۳۷٤: ۳۷)، می‌توان انگیزه‌های مذهبی (تشیع) و جنبه‌های پهلوانی نقوش اسطوره‌های ایرانی را دو عنصر مهم و تأثیرگذار بر ساخت سقانفار دانست. جنگ‌های ایران و عثمانی (دو قطب شیعه و سنی)، توجه بسیار شاهان صفوی به ساخت ابنیه‌ی مذهبی از این دست را منطقی می‌نماید. زیرا این بناها به نوعی انگیزه‌ی مردم را در جنگ علیه کفّار تقویت می‌کرد. البته باید یادآور شد، ساخت سقانفار منحصر به ایران نبوده و در کشورهایی میان چین تا هند، اشکال گوناگونی از این سازه‌های چوبی در جوار مساجد و اماکن مقدسه مشاهده می‌شود که بنا به اعتقادات ادیان مختلف کاربری و ساختار متفاوتی دارند. وجه اشتراک همه‌ی این بناها کاربری آیینی آن‌هاست. آرتور آبراهام پوپ عقیده دارد، وظیفه‌ی فن معماری در گذشته، هم از نظر مادی و هم از دید سمبلیک، ایجاد ارتباط میان جهان مادی و عالم معنا بود (پوپ، ۱۳٦۵: ۱۳). از این رو، وجود تشابه کارکردی آن هم از نوع آیینی در این گونه از بناها امری دور از ذهن نیست. اما این گونه آثار در ایران، بیش‌تر در مناطق مرکزی مازندران بنا شده‌اند. شاید بتوان گفت، به دلیل وجود ریشه‌های تاریخی شیعه در مازندران، مظاهر این مذهب هم‌چون ساقی‌گری و اهمیت نمادین آب در واقعه‌ی کربلا، با مصادیق فکری و فطری مردمان مازندران هم‌خوانی بیش‌تری داشته و سقانفارها با ساختار بومی خود، جایگاهی مناسب، برای تبلور و تجلی این اعتقادات

[۱] – نمونه‌ی نادر آن در منطقه‌ی سوادکوه مازندران قابل مشاهده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

محسوب می‌شده‌اند (Fallah, 2010:1). به هر تقدیر، ساخت و ساز این بنای مذهبی در دوره‌ی قاجار در منطقه‌ی مورد پژوهش گسترش می‌یابد. سقانفارهای مورد مطالعه نیز همگی متعلق به زمان قاجار هستند. این بناها از منظر گونه‌شناسی و سازندی از نوع منقوش (شامل نقاشی‌های نسانی، جانوری، شاهنامه‌ی، گیاهی، هندسی، اشعار و...) بوده و از لحاظ زیبایی‌شناسی و دیدمان هنری در منطقه کم نظیر هستند[۱].

٤- پیشینه و روش تحقیق

تاکنون درباره‌ی معماری مذهبی ایران پژوهش‌های ارزنده‌ای صورت گرفته است که ذکر همه‌ی آن‌ها در این‌جا ممکن نیست. اما آن‌چه به معماری مذهبی در حوزه‌ی مازندران مربوط می‌شود، تحقیقات بسیار مختصری است که در دو بخش مطالعات باستان‌شناختی و تاریخ معماری صورت گرفته است. آن بخش از تحقیقات که به بررسی سقانفارهای مازندران می‌پردازد، نیز به نوبه‌ی خود بسیار محدود است. یکی از پژوهش‌ها در این زمینه، کتاب معصومه رحیم‌زاده با عنوان «سقاتالارهای مازندران، منطقه بابل، وجهی از معماری آیینی» است که در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است. در این پژوهش به بررسی نقوش سقانفارها به عنوان سمبل آیین‌های کهن مردمان خطه‌ی مازندارن پرداخته شده است. یکی از مهم‌ترین کارهای انجام شده درباره‌ی سقانفار، پژوهش وحید یوسف‌نیا پاشا با عنوان «پیمایشی بر نقوش روی شیرسر و کوماچه‌سر در سقانفارهای مازندران» در سال ۱۳۸٤ است. گونه‌بندی و مطالعات ساختارشناسی مهم‌ترین هدف پژوهش مذکور است.

«نشانه‌های تصویری و رمزپردازی نقوش سقانفار» یکی دیگر از پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی سقانفار است که در سال ۱۳۸۵ محمد اعظم‌زاده آن را انجام داده است که با هدف بررسی تنیدگی نگرش‌های مذهبی و ملی مردمان منطقه و تقسیم‌بندی نقوش سقانفار برای دست‌یابی به وجوه اشتراک این نقوش در بناهای استان انجام است. یکی دیگر از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، «بررسی باستانشناسی استان مازندران به‌منظور تهیه‌ی نقشه باستان‌شناسی» است که به سرپرستی کلی دکتر سید مهدی موسوی کوهپر در سال ۱۳۸٦ انجام شده است. در این اثر ۱۷ جلدی، تمامی سقانفارهای مازندران در کنار سایر آثار باستانی منطقه به معرفی و شناسایی پرداخته شده است. از دیگر مطالعات انجام شده در این زمینه، پژوهش‌های «بنای مذهبی به نام سقانِفار،

[۱] – در مازندران سقانفارهای ساده (بدون هرگونه نقش و نگار، و فقط کنده‌کاری هایی بر روی چوب و الوار) نیز وجود دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

خاصه منطقه‌ی مرکزی مازندران، مطالعه‌ی موردی بررسی باستانشناختی سقانِفارهای شهرستان فریدونکنار» در سال ۱۳۹۰، «مطالعه‌ی خصوصیات زیبایی شناختی سقانفارها؛ مطالعه‌ی موردی سقانفارهای فریدونکنار» در سال ۱۳۹۱ و «مطالعه‌ی خصوصیات معماری و هنری سقانِفارهای شهرستان بابلسر؛ بنای مذهبی ویژه‌ی بخش مرکزی مازندران» در سال ۱۳۹۱ است که میثم فلاح انجام داده است. نگارنده در این مقالات به مطالعه خصوصیات معماری، هنری و زیبایی‌شناختی سقانفارها پرداخته است.

مهم‌ترین هدف پژوهش پیش‌رو که نگاهی جامعه‌شناختی به این نوع سازه دارد، معرفی ساختار معماری سقانفار و واکاوی جایگاه و کارکردهای اجتماعی و آیینی این بناست. مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر عبارتند از: چرا این نوع از معماری در مازندران شکل گرفته است؟ پیشینه‌ی ساخت این بنا با کدام تفکر رایج در دوران قاجار مرتبط است؟ و عناصر نشانه‌ی کارکردها و جایگاه اجتماعی و آیینی در سقانفار کدامند؟ تمرکز معنادار الگوی پراکنش این بناها در مازندران مرکزی و آرایه‌های تزیینی بنا که نوعی پرده‌ی صامت هنری و الهام یافته از اصالت و کرامت تشیع بوده، اهمیت این پرسش‌ها و نگرش‌ها را دو چندان ساخته است. این پژوهش از نوع توصیفی ـ تحلیلی است. به‌دلیل ماهیت موضوع و کمبود منابع مکتوب در این زمینه، بخش عمده‌ی داده‌های پژوهش حاضر با روش بررسی میدانی باستان‌شناختی، مصاحبه و بخش اندک آن نیز از طریق مطالعات اسنادی گردآوری شده و با روش تحلیل نظری و کیفی تفسیر شده‌اند.

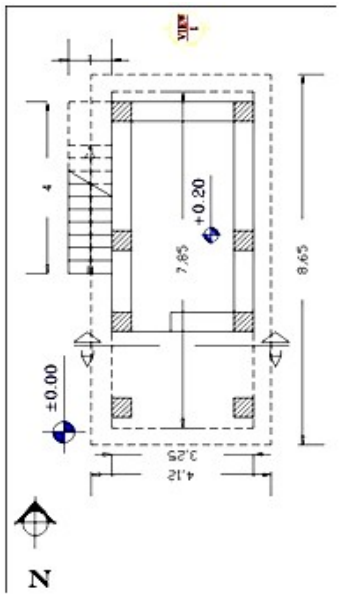
۵- معرفی نمونه‌های بررسی شده

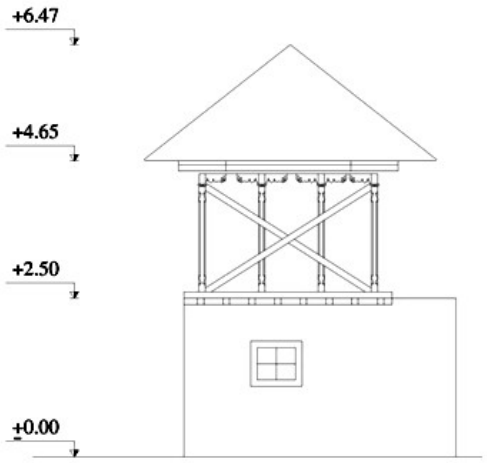
۵-۱- سقانِفار اُوکسَر کَریم‌کُلا

این بنا در روستای اُوکسَر کَریم‌کُلا، بخش مرکزیِ شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی ″۲۶ ′۳۲ °۵۲، عرض جغرافیایی ″۵۹ ′۳۵ °۳۶ و هم‌تراز با آب‌های آزاد واقع شده است (تصویر شماره‌ی دو). پلان این سقانفار (پلان شماره‌ی یک) که در جوار حسینیه‌ی این روستا قرار گرفته مستطیل شکل، با طول غربی– شرقی ۷/۳۵ متر و عرض شمالی– جنوبی ۳/۲۵ متر است. پوشش بنا خرپشته‌ای و چهارجانبه است. اجزای چوبی بنا با میخ و پرچ‌های فلزی به یک‌دیگر متصل شده‌اند. کتیبه‌ی موجود در بنا تاریخ ۱۳۲۶ ه.ق. و نام سازنده‌ی آن را نشان می‌دهد. تکنیک‌های تزیینی بنا کنده‌کاری و نقاشی بر روی چوب و نقش‌مایه‌های رایج در آن هندسی، گیاهی، جانوری، انسانی، ترکیبی و شاهنامه‌ای است (تصویر شماره‌ی سه). رنگ‌های به‌کار رفته در تزیینات بنا

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

عبارت از: آبی، سبز، قهوه‌ای، قرمز، زرد، سفید و سیاه است. هم‌چنین اشعاری در مدح واقعه‌ی کربلا در نمای سقف داخلی نوشته شده است که حاکی از کارکردهای اجتماعی و آیینی این بنای قدسی است.





پلان شماره‌ی یک- طرح پلان و مقطع سقانفار اوکسَر کریم کُلا (نگارندگان، ۱۳۸۸)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



تصویر شماره‌ی دو- نمای جنوبی سقانفار اوکسر (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره‌ی سه – نقوش انسانی، اساطیری، جانوری و... (نگارندگان، ۱۳۸۸)

۵-۲- سقانفار جِزین

این سقانفار (تصویر شماره‌ی چهار) در روستای جِزین، بخش مرکزی شهرستان فریدونکنار و در طول جغرافیایی ″۴۲ ′۳۱ °۵۲، عرض جغرافیایی ″۵۱ ′۳۵ °۳۶ و ارتفاع ٤ متری از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته است. پلان این سقانفار مستطیل شکل با طول غربی– شرقی ۷ متر و عرض شمالی– جنوبی ٦ متر است. پوشش بنا خرپشته‌ای و چهارجانبه است. نقش‌مایه‌های تزیینی این سقانفار عبارتند از: نقوش هندسی، گیاهی و گل و مرغ که با رنگ‌های زرد، سبز، آبی، سیاه و قهوه‌ای مزیّن شده‌اند (تصویر شماره‌ی پنج). طبق تاریخی که در داخل بنا حک شده است، قدمت بنا به سال ۱۳۲۳ ه.ق. باز می‌گردد. مصالح به‌کار رفته در بنا چوب است که با میخ به یک‌دیگر متصل شده‌اند و در حال حاضر ستون‌های سیمانی جایگزین شالوده‌های چوبی بنا شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



تصویر شماره‌ی چهار- نمای شرقی سقانفار جزین (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره‌ی پنج- نقوش انسانی، جانوری، اسطوره‌ای سقانفار جزین (نگارندگان، ۱۳۸۸)

۵-۳- سقانفار نوایی‌محله

این بنا در روستای نوایی محله، بخش دِهفری، شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی ″۳۵ ′۲۷ °۵۲، عرض جغرافیایی ″۲۹ ′۳۷ °۳۶ عرض شمالی و در ارتفاع ۲ متری آب‌های آزاد قرار دارد. پلان این سقانفار که در جوار مسجد روستای نوایی محله قرار گرفته مستطیل شکل، با عرض غربی- شرقی ۵ متر و طول شمالی- جنوبی ۹ متر است. ارتفاع بلندترین نقطه‌ی این بنا نسبت به زمین‌های اطراف در حدود ٦ متر و مساحت آن ٤٥ متر مربع است. مصالح به‌کار رفته در بنا از چوب است که با میخ و بست‌های فلزی به یک‌دیگر متصل شده‌اند. نقش‌مایه‌های این سقانفار عبارتند از: اشکال هندسی، جانوری، گیاهی، گل و بوته، انسانی و نقوشی مرکب از سرِ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

انسان با بدن پرنده و جانور که نقوش اساطیری را نمایان می‌سازد (تصاویر شماره‌ی شش و هفت). رنگ‌های به کار رفته در این نقوش قرمز، آبی، سیاه، زرد، سفید و قهوه‌ای است. بنا با توجه به مقایسه‌ایی که از روی سبک، نقش و ساختار این سقانفار با نمونه‌های مشابه در منطقه انجام شده، احتمالاً به دوره‌ی قاجار باز می‌گردد. در حال حاضر اتاقی نوساز با مصالح آجر و سیمان گرداگرد بنای چوبی را محصور کرده است.

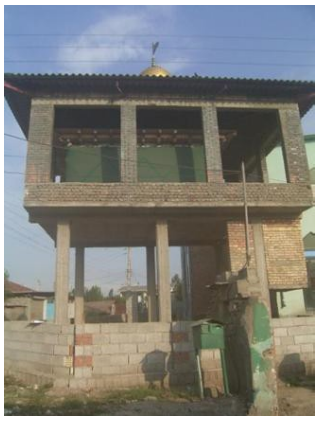


تصاویر شماره‌ی شش و هفت- نمای داخلی سقانفار نوایی محله، انواع نقوش اسلیمی، اساطیری، جانوری، نسانی، گیاهی، دینی (نگارنده، ۱۳۸۸)

٥-٤- سقانفار کوچک بیشه مَحله

این بنا (تصویر شماره‌ی هشت) در روستای کوچک بیشه محله، بخش دهفریِ شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی ″۳۰ ′۲۹ °۵۲، عرض جغرافیایی ″٤٦ ′٣٦ °٣٦ و ارتفاع ۱ متری آب‌های آزاد واقع شده است. پلان این سقانفار که در جوار مسجد این روستا قرار گرفته مستطیل شکل، با عرض غربی- شرقی ۵/۵۰ متر و طول شمالی- جنوبی ۷/۵۰ متر و ارتفاع بلندترین نقطه‌ی این بنا نسبت به زمین‌های اطراف در حدود ۵/۵۰ متر و مساحت آن ٤١/٢٥ متر مربع است. مصالح به کار رفته در بنا از چوب است که با میخ و بست‌های فلزی به یک‌دیگر متصل شده‌اند (تصویر شماره‌ی نه) و در حال حاضر در میان ساختمان نوساز آجری محصور شده است. سقانفار کوچک بیشه‌محله نیز جزءِ سقانفارهای منقوش منطقه است، با این تفاوت که طرح‌های این سقانفار منحصراً هندسی با رنگ‌های قرمز، آبی، سفید و سبز است. طرح‌های هندسی با رنگ‌های مذکور به‌صورت قرینه در فضای داخلی و خارجی بنا نقش شده‌اند. قدمت این سقانفار با توجه به تشابه سبک، نقش و ساختار آن با نمونه‌های دیگر، احتمالاً به دوره‌ی قاجار باز می‌گردد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



تصویر شماره‌ی هشت- فضای آجری در نمای جنوبی سقانفار (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره نه - مصالح چوبی داخل سقانفار (نگارندگان، ۱۳۸۸)

۵-۵- سقانفار امامزاده عبدالله(ع) اِزباران

این بنا در روستای ازباران، بخش دهفری شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی ″۳۵ ′۲۹ °۵۲، عرض جغرافیایی ″۵۷ ′۳۸ °۳۶ و در ارتفاع ۱٤- متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارد. پلان این بنا که در محوطه‌ی قبرستانی روستای ازباران قرار دارد، مستطیل شکل با طول غربی- شرقی ۷/٦۰ متر و عرض شمالی- جنوبی ٦/۷۵ متر است. ارتفاع بلندترین نقطه‌ی این بنا نسبت به زمین‌های اطراف تقریباً ۳ متر و مساحت آن ۵۱ مترمربع است. تفاوت انحصاری این سقانفار با سایر نمونه‌های منطقه این است که این بنا فاقد ستون‌های پایه و شالوده بوده و بر روی زمین احداث شده است. مصالح اصلی بنا از الوارهای قطوری است (تصویر شماره‌ی ده) که بخش‌هایی از آن رنگ‌آمیزی شده و در حال حاضر ساختمانی آجری گرداگرد آن را محصور کرده است. قدمت بنا با توجه به کتیبه‌ی موجود در آن به دوران قاجاریه (۱۳۱۵ ه.ق) باز می‌گردد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تزیینات سقانفار امام زاده عبدالله(ع) نیز منحصر به‌فرد است. از یک‌سو نقوش به کار رفته در سقف داخلی بنا منحصراً اشعاری در مدح واقعه‌ی کربلا بوده و از سوی دیگر تاریخ احداث، نام و ولایت سازنده بنا در قاب‌های رنگی حک شده است (تصاویر شماره‌ی دوازده). در بخش میانی فضای داخل، ضریح فلزی دیده می‌شود که احتمالاً جایگزین ضریح چوبی؟ و قدیمی؟ آن شده ست (تصویر شماره‌ی یازده). بنا به روایت ساکنان روستا، مدفن امامزاده نام عبدالله(ع) است که در مرکز این بنا دفن شده است.



تصویر شماره‌ی ده- نمای داخلی سقانفار امامزاده عبدالله(ع) (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره‌ی یازده- صندوق چوبی داخل بنا (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره‌ی دوازده- کتیبه‌ای که نام بانی (کربلایی علی رضا) و ولایت وی (نَوا) را مشخص می‌نماید (نگارنده‌گان، ۱۳۸۸)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۵-٦- سقانفار امامزاده قاسم(ع) کاردگرمحله

این بنا (تصویر شماره‌ی سیزده) در روستای کاردگرمحله، بخش دهفریِ شهرستان فریدونکنار، در طول جغرافیایی ″۵۸ ′۲۹ °۵۲، عرض جغرافیایی ″۱٦ ′۳۸ °۳٦ و ارتفاع ۱۰- متری آب‌های آزاد قرار دارد. پلان این سقانفار که در جوار امامزاده قاسم(ع) این روستا قرار گرفته، مستطیل شکل با طول غربی– شرقی ۱۲/۵۰ متر و عرض شمالی– جنوبی ۷/۲۰ متر است. ارتفاع بلندترین نقطه‌ی این بنا نسبت به زمین‌های اطراف در حدود ٦/۵۰ متر و مساحت آن ۸۸/۵۰ متر مربع است. مصالح به‌کار رفته در بنا از چوب بوده که در حال حاضر در میان ساختمان نوساز آجری محصور شده است. این ساختمان نوساز، تقریباً ۱۵ سال پیش احداث شده است. نقش‌مایه‌های این سقانِفار اشکال هندسی، گیاهی و نقش ردیف انسانی بر روی نمای سقف داخلی بنا را دربر می‌گیرد. علاوه بر این نقوش، اشعاری نیز بر روی نمای سقف داخلی بنا مشاهده می‌شود. قدمت بنا با توجه به کتیبه‌ی موجود در آن متعلق به دوران قاجار (۱۳۱۱ ه.ق) است.

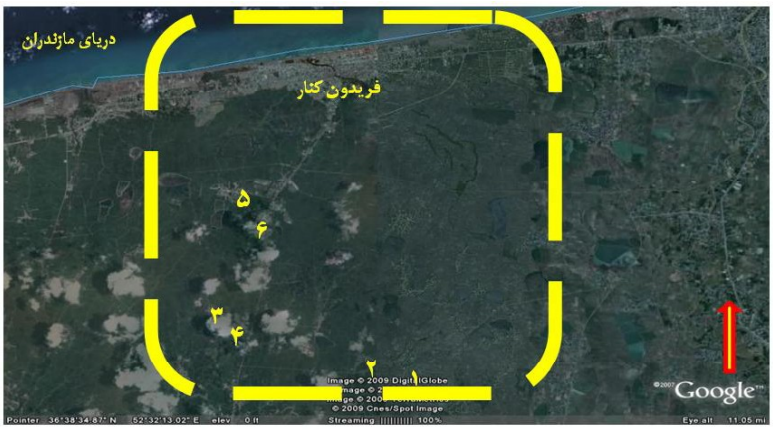


تصویر شماره‌ی سیزده- نمای عمومی سقانفار امامزاده قاسم (نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر شماره‌ی چهارده- نقوش انسانی با پوشش قاجاری (نگارندگان، ۱۳۸۸)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



۱ سقانفار اوکسر کریم کلا ۳ سقانفار نوایی محله ۵ سقانفار امام زاده عبدالله ازیاران
۲ سقانفار جزین ٤ سقانفار کوچک بیشه محله ٦ سقانفار امام زاده قاسم کاردگرمحله

تصویر شماره‌ی پانزده- جانمایی سقانفارهای مورد مطالعه در شهرستان فریدون کنار بر روی نقشه‌ی (Google Earth)

٦- بحث و تحلیل یافته‌ها

سقانفارهای فریدونکنار، گونه‌ای از معماری آیینی در استان مازندران هستند که پس از رواج مذهب شیعه‌ی اثنی‌عشری، با هدف وقف برای ساقیِ دشت کربلا، حضرت ابوالفضل(ع) و به نام حضرت ایشان ساخته شده‌اند. ساخت این بنای آیینی در دوران قاجار رواج بیش‌تری یافت؛ به گونه‌ی که بیش‌تر نمونه‌های باقی‌مانده در مازندران و تمامی نمونه‌های کنترل شده در منطقه‌ی مورد پژوهش به دوران قاجار تعلق دارند.

این سقانفارها، به پیروی از معماری بومی و سنتی شمال ایران ساخته شده‌اند. بناهای مذکور تماماً چوبی، دو طبقه و بر روی چهارپایه‌ی قطور چوبی به فرم چهارگوش ساخته شده‌اند. دسترسی به طبقه‌ی دو از طریق نردبان چوبی امکان‌پذیر است. با توجه به اقلیم معتدل و مرطوب و وجود پوشش جنگلی در منطقه‌ی مورد پژوهش، استفاده از چوب در بنا به عنوان مصالحی بوم‌آورد، امری بدیهی است. پوشش این بنا به صورت خرپشته‌ای یا شیروانی بوده که معمولاً با بام‌پوش‌های سفالین پوشیده شده‌اند. این بام‌پوش‌ها به مرور زمان از بین رفته و سپس مرمت شده‌اند که در مرمت‌های مردمی از پوشش حلبی نیز استفاده شده است. ساخت بنا به صورت دو طبقه در منطقه‌ی شمال ایران، سنتی دیرپا و وابسته به اقلیم قلمداد می‌شود. به دلیل شرایط اقلیمی،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فراوانی رطوبت نسبی و فراخور آن سرعت زیاد تخریب عناصر چوبی در معماری منطقه، معمولاً فضایی خالی را میان سطح زمین و بخش اصلی بنا ایجاد می‌کنند. این بخش در برخی از بناها مانند خانه‌های شمال به عنوان انباری و در برخی از بناها مانند تکیه به‌صورت کرسی ایجاد می‌شود. در سقانفارها نیز این بخش در پایین بخش اصلی و نشیمن بنا در نظر گرفته شده است. با وجود این، مصالح چوبی سقانفارهای منطقه از گزند آسیب طبیعی در امان نمانده‌اند. تخریب مصالح اصلی سقانفارهای مورد پژوهش در منطقه و بازسازی آن با مصالحی چون آجر بر این امر صحه می‌گذارد.

سقانفارهای منطقه‌ی مورد مطالعه که معمولاً فضایی کوچک را در حریم امامزاده‌ها، تکیه‌ها، مساجد و گورستان‌ها به‌خود اختصاص داده‌اند، در میان اهالی منطقه از تقدس و احترام والایی برخوردارند و نمونه‌ی بارز معماری آیینی در منطقه محسوب می‌شود. واقع شدن این بنا در محوطه‌ای وسیع و در کنار سایر بناهای آیینی، احساس دوگانه‌ی آرامش و ترس را برای انسان می‌آفریند و این امر خود آیینی بودن و ارتباط آن را با دنیای فرامادی و فرازمینی نشان می‌دهد. دو گونه تکنیک تزیینی عمده و پرکاربرد در تمام سقانفارهای منطقه دیده می‌شود. کنده‌کاری و نقاشی بر روی چوب. چوب در سقانفارهای منطقه تنها نقش سازه‌ای ندارند؛ بلکه از آن‌ها در تزیینات نیز ستفاده شده است. استفاده‌ی دومنظوره و هم‌زمان از چوب در ساختار و تزیین یکی از شیوه‌های نغز در معماری این بنای بومی است. تراش پرکار و متنوع در سرستون‌ها و شیرسرهای زیر پوشش سقف علاوه بر خلق زیبایی، حامل بار و سنگینی بنا از سقف به پی سقانفار است. سقانفارها علاوه بر تزیینات بدیع و چشم‌نواز چوب‌کاری، مملو از تزییناتی هستند که با رنگ‌ها و موتیف‌های متنوع بر پیکره‌ی چوبی بنا نقش شده‌اند. این تزیینات، مضامین گسترده‌ای را در برمی‌گیرند. نقوش سقانفار جنبه‌ی روایی دارد و نشانه‌ی رابطه‌ی بینامتنی میان تصاویر و روایت‌های حماسی و مذهبی هستند (محمودی، ۱۳۸۷: ۷۵). تنوع موضوعات تا آن اندازه است که می‌توان گفت تقریباً همه بعاد فرهنگ ملی و نگرش‌های مذهبی مردمان منطقه را شامل می‌شود. نقش گل و برگ و اسلیمی، نقوش شبیه گل لوتوس، نقش شیر، مار، ماهی، اسب، پرنده، بز، نقوش انسانی زن و مرد در کنار هم، ردیف شاه‌زادگان مؤنث و مذکر با لباس‌های فاخر و تاج‌های سه کنگره‌ای، فرشتگان بالدار یا تاج‌های سه کنگره‌ای، اژدها، ماهی در حال بلعیدن کشتی، پرنده با سر زن، انسان سوار بر حیوانی با سر انسان و قاب‌سازی‌های رنگی با کتیبه‌هایی با مضامین مرتبط با واقعه‌ی کربلا و یا مستند کردن نام نجار و سازنده‌ی بنا از مهم‌ترین نقش‌مایه‌های این بناها هستند. این نقوش را می‌توان از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منظر مضمون و مفهوم در گروه‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی، آیینی و آخرالزمانی، اسطوره‌ای و خیالی و... دسته‌بندی و مطالعه کرد. نکته‌ی مهم در مطالعه‌ی این نقوش، تم و زمینه‌ی تأثیرگذار بر انتخاب و خلق این نقوش در بنای سقانفار است. به‌طور قطع مسایل اجتماعی، اقتصاد معیشتی مردمان منطقه، عناصر ملی و دغدغه‌های آیینی و آخرالزمانی در نقش شدن این موتیف‌ها تأثیر مستقیمی داشته‌اند. از این رو، می‌توان نقش‌مایه‌های مختلف با مضامین متنوع در این سقانفارها را که ناقل مفاهیم دینی به کاربران عام خود هستند، نشانه‌ی پیوند و تنیدگی فرهنگ ملی و نگرش‌های مذهبی مردمان منطقه قلمداد کرد.

از منظر آیینی، کارکرد سقانفارهای منطقه به مراسم عزاداری واقعه‌ی کربلا منتسب است. در ایام محرم این بنا رونق خاصی می‌گیرد و با پوشاندن این بنا با پارچه‌های مشکی که بر آن مضامین مرتبط با واقعه‌ی کربلا نوشته شده، شور و حال مذهبی خاصی در آن جریان می‌یابد. عزاداری در غم از دست دادن سرور و سالار شهیدان و یاران باوفایش، با ایجاد حلقه‌های انسانی و انجام مراسم سینه‌زنی، ریشه در هم‌بستگی آیینی و اجتماعی مردمان این منطقه دارد.

از نظر اجتماعی نیز، سقانفارهای فریدونکنار منتسب به جوانان و فرزندان ذکور اهالی منطقه است. در این محل تنها آب و چای صرف شده و از ورود کودکان، زنان و پیرمردان جلوگیری می‌شود. از این بنا فقط جهت عزاداری جوانان در ماه محرم برای حضرت ابوالفضل استفاده می‌شود و پیرمردان هم به علت ارتفاع زیاد آن و هم به لحاظ مفهومی از آن استفاده نمی‌کنند. زنان تنها در ایام و اعیاد خاصی برای ادای نذورات، حق ورود به طبقه‌ی همکف سقانفار دارند و در غیر این ایام، حتی واردشدن به زیر تخت برای زنان، کاری بس ناصواب محسوب می‌شود (بر اساس مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده؛ نیز ببینید: یوسف‌نیا، ۱۳۸٤: ۵۷-٦٤). نوشیدن آب در سقانفارها بیان‌کننده‌ی کارکرد نمادین این بنا، ارتباط آن با وقایع کربلا، داستان حضرت ابوالفضل و عنصر نمادین آب در وقایع یاد شده است. عمودیت و افراشتگی بنا نیز با جوانی حضرت ابوالفضل(ع) و بازه‌ی سنی کابران آن رابطه‌ای مفهومی و نمادین دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۷- برآیند و نتیجه‌گیری

سقانفارهای فریدونکنار، تماماً با پلان مستطیلی، با محور شمال غرب- جنوب شرق بنا شده‌اند و به‌طور میانگین دارای ابعاد تقریبی ۷/۵۰ در ۵/۵۰ متر و ارتفاعی بالغ بر ۲/۵۰ متر (از کف تا سقف چوبی داخل سقانفار) هستند. این بنا با کارکرد مذهبی و اجتماعی، ویژه‌ی شیعیان و بیش‌تر در منطقه‌ی مرکزی مازندان ساخته شده است. احداث این‌گونه از معماری آیینی در مازندران، از دوران صفویه آغاز و در دوران قاجار به اوج می‌رسد. نمادپردازی و بیان نمادین در بندبند کارکردها و تزیینات این بناها موج می‌زند. از منظر اجتماعی، مخاطبان و کاربران این بنا که به‌نام حضرت ابوالفضل(ع) بنا شده است، جوانان هستند. عمودیت و برافراشتگی بنا با میانگین سنی کاربران آن تناسب دارد. این تناسب میان بنای تکیه با گستردگی افقی و سن کاربران آن یعنی افراد مسن‌تر و صاحب مقام اجتماعی در منطقه نیز دیده می‌شود. در سقانفارهای کنترل شده، نقش‌مایه‌های متعددی دیده می‌شود که عبارتند از: نقوش گیاهی و اسلیمی، هندسی، انسانی، اساطیری، جانوری، اشعار در مدح واقعه‌ی کربلا، مدایح پیرامون امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) که با تکنیک کنده‌کاری و نقاشی بر چوب اجرا شده‌اند. در کلی‌ترین بیان، نقش‌مایه‌های بنا نمادهایی از زندگی اجتماعی، اقتصاد معیشتی، نگرش‌های آیینی و هویت ملی مردمان منطقه قلمداد می‌شوند. هنرمند با کنار هم قرار دادن ماهرانه‌ی این نقوش، قصد انتقال نمادین پیام‌های ملی و مذهبی را به مخاطبان عام داشته و این گونه چیدمان تنیدگی فرهنگ ملی و نگرش‌های مذهبی مردمان منطقه را نشان می‌دهد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. بی‌نام (۱۳۸٤) **بازنگری طرح هادی روستای کاردگرمحله (شهرستان بابلسر بخش فریدونکنار دهستان امامزاده عبدالله)**، بابلسر، مهندسین مشاور خزر بنیان درفک.

۲. پوپ، آرتور آپهام (۱۳٦۵) **معماری ایران**، ترجمه‌ی کرامت الله افسر، تهران: انتشارات یساولی.

۳. حجاز کناری، سیدحسن (۱۳۷۲) **یادگارهای دینی و تاریخی مازندران**، تهران: نشر انجمن خدمات فرهنگی ایرانیان خارج از کشور.

٤. رحیم زاده، معصومه (۱۳۸۲) **سقاتالارهای مازندران**، ساری: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران.

۵. رحیمی، هادی (۱۳۸۷) **خلاصه گزارش عملکرد سال ۱۳۸٦ و شش ماه اول سال ۸۷ شهرداری فریدونکنار**، فریدونکنار: انتشارات روابط عمومی شهرداری فریدونکنار.

٦. سقایی، سارا و اعظم ملک و میثم فلاح و سعید امیرحاجلو (۱۳۹۱) «مطالعه خصوصیات معماری و هنری سقانِفارهای شهرستان بابلسر؛ بنای مذهبی ویژه‌ی بخش مرکزی مازندران»، **نخستین همایش ملی هنر تبرستان: گذشته و حال**، دانشگاه مازندران، ارائه‌ی پوستر، بابلسر.

۷. شمسکار، معصومه (۱۳۸۲) **طرح هادی روستای ازباران شهرستان بابلسر (مدیریت پروژه فنی و اجرایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان مازندران**، بابلسر، شرکت لیان GIS.

۸. فاطمی، سید محمد مهدی (۱۳۸٦) **نقش گردشگری در تحولات شهر و شهرنشینی فریدونکنار**، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.

۹. فلاح، میثم (۱۳۹۱) «مطالعه‌ی خصوصیات زیبایی شناختی سقانفارها؛ مطالعه‌ی موردی سقانفارهای فریدونکنار»، **مجموعه چکیده مقالات پنجمین همایش دانشکده‌ی علوم انسانی**، شورای نویسندگان، قائمشهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، ص ۵٦.

۱۰. ..... (۱۳۹۰) «بنای مذهبی به نام سقانِفار، خاصه منطقه‌ی مرکزی مازندران؛ مطالعه‌ی موردی بررسی باستانشناختی سقانِفارهای شهرستان فریدونکنار»، **مجله‌ی استارسو**، پیش شماره‌ی سوم، ص ۳٦-٤۵.

۱۱. ..... (۱۳۹۰) «سقانِفارها، معماری مذهبی ویژه‌ی منطقه‌ی شمال ایران؛ مطالعه‌ی موردی معرفی سقانفارهای شهرستان فریدونکنار»، استان مازندران، مجله‌ی اینترنتی انسان شناسی و فرهنگ، http://anthropology.ir/node/9842.

۱۲. گیدئین، زیگفرید (۱۳۷٤) **فضا، زمان و معماری**، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۳. محمودی، فتانه و محمود طاووسی (۱۳۸۷) مضامین و تصاویر انسانی در سقانفارهای مازندران؛ «بررسی تطبیقی نقوش سقانفارهای شیاده و کردکلا»، **نشریه‌ی هنرهای زیبا**، شماره‌ی ۳٦، زمستان ۱۳۸۷، ص ۷۵.

۱٤. ..... و علی‌اکبر فرهنگی (۱۳۸۸) «تجلی هویت ملی در هنر ایرانی با رویکردی به مضامین نقش‌مایه‌های تزیینی سقانفارهای مازندران»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملی**، سال دهم، شماره‌ی اول، ۱۳۸۸، ص ۹٤.

۱۵. مرعشی، میر سید ظهیرالدین (۱۳٤۵) **تاریخ طبرستان رویان و مازندران**، به اهتمام محمدحسین تسبیحی، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی مطبوعات شرق.

۱٦. ..... (۱۳٦۱) **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران**، به کوشش محمد حسین تسبیحی، تهران: انتشارات شرق.

۱۷. نصر، سید حسین (۱۳۷۵) **هنر و معنویت اسلامی**، ترجمه‌ی رحیم قاسمیان، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.

۱۸. نفیسی، سعید (۱۳٦٤) **تاریخ اجتماعی وسیاسی ایران در دوره‌ی معاصر**، جلد اول، چاپ پنجم، چاپ مروی، تهران: انتشارات بنیاد.

۱۹. یوسف‌نیا پاشا، وحید (۱۳۸٤) **پیمایشی بر نقوش روی شیر سر و کوماچه سر در سقانفارهای مازندران**، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

20. Fallah, Meisam (2010) «The Saghanefars of Fereidonkenar: introducing the traditional religious architecture of northern Iran», The Project Gallery, "Antiquity", Vol 084, and Issue 323.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]